سخن سردبیر:

امام خمینی(س)، مقاومت فرهنگی و ژئوکالچر انقلاب اسلامی

«تأملاتی پیرامون مفهوم صدور انقلاب در دهه چهارم»

تغییر انقلابی، راه و رسم زندگی در دنیای جدید است که در دو سه قرن اخیر گفته شده عموما و منحصرا به مدرنیته و فرهنگ غربی متعلق است. اما با انقلاب اسلامی برای نخستین بار در دنیای مدرن، یک الگوی عام نو بودن و دگرگون شدن از بطن و متن اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های دینی و نهادهای وابسته به دین برآمده است و ایدئولوژی‌های غرب را با چالشی جدی مواجه کرده است. چالشی که غرب، تفکرات غربی، سیاستمداران حاکم در غرب و فیلسوفان غربی را در مقابل این پرسش قرار می‌دهد که چگونه وجه نظر خود را در برابر این تغییر بنیادی و فرارونده و ساختارشکن تعیین می‌نمایند؟ جان. ال. اسپوزیتو می‌گوید:

در بهمن ۱۳۵۷، جهان از وقوع نخستین انقلاب مدرن به رهبری مذهب در ایران آگاه شد؛

انقلابی که حکومتی اسلامی را جایگزین سلسله پادشاهی هوادار غرب کرد... پی بردن به اهمیت این انقلاب و تأثیر جهانی و داخلی آن نیازمند دستیابی به اطلاعات درباره پیشینه تاریخی سیاست در تاریخ به ویژه در جامعه ایران است و این آگاهی ما را به درک بهتر ایدئولوژی انقلابی، رهبری، نهادها و سیاست‌های آن رهنمون خواهد کرد. [۱]

با فقر تئوریک، کمبود اطلاعات و جهلی که در غرب نسبت به ماهیت انقلاب اسلامی و عملکرد اسلام وجود دارد، این تعیین وجه نظر در فهم انقلاب اسلامی، کاری بیش از یک تمرین آکادمیک است که غرب عموما در مقابل الگوهای تغییر و دگرگونی در حیطه مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون از خود نشان می‌دهد.

اولین چیزی که باید فیلسوفان غربی و غربگرایان درک کنند این است که رد ایدئولوژی‌های غرب در اشکال مشروطه سلطنتی، لیبرالیسم و سوسیالیسم در انقلاب کبیر اسلامی رویداد کم‌اهمیتی به شمار نمی‌رود. این امر، بیانگر قطع رابطه بنیادی با مقدمات فکری‌ای بود که باعث شد ایران نزدیک به یکصد و پنجاه سال تحت سیطره جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) تفکر غربی، امکان هر گونه رشد و پیشرفت را از دست بدهد.

در حقیقت همان‌طور که پیتر کالورث در کتاب «انقلاب و ضد انقلاب» می‌گوید:

غرب آن چنان مست بسط و توسعه جهانی کردن سکولاریسم بود که نتوانست حرکت حقیقی و اصیل انقلاب اسلامی را در متن جهان مدرن حس کند و تشخیص دهد که نیروی دین هنوز تا آن اندازه قدرتمند است که بتواند دگرگونی‌های بنیادی در جهان ایجاد نماید و امام خمینی تنها رهبری باشد که بیش از دیگران بر دگرگونی تصورات این قرن اثر گذاشته باشد. [۲]

اکنون که سه دهه از این واقعه عظیم گذشته است مهم‌ترین پرسش برای هر متفکری این

---

۱. جان.ال.اسپوزیتو، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲)، ص۳۳.

۲. نقل به مضمون از: پیتر کالورث، **انقلاب و ضد انقلاب**، ترجمه سعید قانعی (تهران: آشیان، ۱۳۸۳)، ص ٦٢ و ٦٣.

است که آیا بحث کردن از جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) انقلاب اسلامی مبنایی دارد؟ و ما می‌توانیم بعد از سه دهه تصویر قابل تفسیری از تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی در جغرافیای وسیعی از منطقه و جهان باشیم؟

ژئوکالچر یا جغرافیای فرهنگی پیش از هر چیز بیانگر چهارچوب فرهنگی‌ای است که انقلاب اسلامی در محدوده آن فعالیت می‌کند و اثرگذار است و مقدمات فکری خود را نه در یک محدوده ملی و محلی بلکه در جغرافیایی از فرهنگ منتشر می‌سازد. ژئوکالچر انقلاب اسلامی قبل از هر چیز ما را به یاد مفهوم دیگری می‌اندازد که در فرهنگ انقلاب اسلامی از این مفهوم تحت عنوان «صدور انقلاب» یاد می‌شود.

در دی سال ۱۳۵۷ وقتی خبرنگاری از امام سؤال کرد که آیا فکر می‌کنید دامنه حوادث ایران به ترکیه نیز کشیده شود؟ امام پاسخ داد نهضت مقدس ایران، نهضت اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار گیرند.[۱]

در آن زمان شاید کسی باور نمی‌کرد که سه دهه بعد نخست‌وزیر کشوری مثل ترکیه که تمام تار و پود ساختار سیاسی و نظام دولت آن تحت سیطره دولتمردان سکولار و بی‌اعتنا به دین است و بیشترین رابطه را با دولت حقیر اسرائیل دارد، آن‌گونه در مقابل گزافه‌گویی‌های نخست‌وزیر این رژیم عکس‌العمل نشان دهد! آیا می‌توان از تأثیر چهارچوب فرهنگی انقلاب اسلامی در نظام سکولار ترکیه غفلت کرد؟ و آیا می‌توان این‌گونه حرکت‌ها را در جهان، بخشی از آثار ژئوکالچر انقلاب اسلامی دانست؟

آیا ژئوکالچر انقلاب اسلامی آن‌گونه که از اندیشه‌های امام خمینی فهمیده می‌شود، مفهوم جغرافیایی دارد یا مفهوم فرهنگی؟ وقتی امام از صدور انقلاب صحبت کرد منظور بسط جغرافیای سرزمینی انقلاب اسلامی بود یا بسط جغرافیای فرهنگی؟ آیا وقتی ما از صدور

---

۱. **صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی**، دفتر ششم (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸٤، چ٤)، ص۳.

انقلاب یا ژئوکالچر انقلاب اسلامی سخن می‌گوییم منظور صدور آرمان‌ها، شیوه‌ها، شعارها و الگوهای انقلاب اسلامی است یا چیزی دیگر؟ این سؤالات نشان می‌دهد که مفهوم صدور انقلاب از دیدگاه امام و ژئوکالچر انقلاب اسلامی در اندیشه‌های انقلابیان ایران شئون و جلوه‌های خاصی دارد که برای درک آن باید با تمام این شئون آشنا شد.

انقلاب اسلامی اگرچه در دنیای کثرت اتفاق افتاد اما یک وحدت است و امام خمینی، حکیم این وحدت و زعیم این کثرت است. بی‌تردید این وحدت یک وحدت مکانیکی نیست که تحت تأثیر اقتصاد، سیاست و یا سایر عوامل شناخته‌شده پاره‌ای از جنبش‌های اجتماعی باشد؛ بلکه یک وحدت فرهنگی و تاریخی است که بر دیگر شئون نظیر اقتصاد، سیاست، جامعه، فلسفه و حتی تاریخ اثر می‌گذارد. این وحدت اکنون در جهان محقق شده است.

مفهوم ژئوکالچر دقیقا از همین معنا برمی‌خیزد. زیرا با این معنا انقلاب اسلامی رابطه خود را با تمام افکار، اندیشه‌ها و نظریه‌هایی که فرهنگ را روبنای اقتصاد توصیف و همه دگرگونی‌های اجتماعی را تابعی از روابط تولیدی جامعه می‌دانند، قطع می‌کند. بر همین اصل و اساس، جغرافیای فرهنگی انقلاب اسلامی از ناحیه اهل سیاست (به مفهوم غربی)، اهل اقتصاد، نژادگرایان، جنسیت‌گرایان و همه آنهایی که به نوعی تحت سیطره گفتمان‌های رسمی علوم انسانی و اجتماعی در غرب هستند مورد تردید و انکار قرار می‌گیرد.

اگر پذیرفتیم که غرب یک منطقه جغرافیایی و یک نظام سیاسی نیست بلکه یک تاریخ است و این تاریخ از زمانی آغاز شد که یونانیان به «پایدیا» (فرهنگ و تربیت) توجه کردند[1] اکنون باید گفت که انقلاب اسلامی نیز تداوم یک تاریخ و یک وحدت تاریخی است و اگر این وحدت در بخشی از تاریخ صدر اسلام تحقق نمی‌یافت هیچ‌یک از جلوه‌ها و شئون آن محقق نمی‌شد. بنابراین، انقلاب اسلامی که بخشی از این تاریخ واحد است، نمی‌تواند انقلاب یک ملت، یک قوم و

۱. نک: رضا داوری، **درباره غرب**، (تهران: هرمس، ۱۳۷۹)، ص ۲۹. در خور ذکر است که نگارنده در بخش‌هایی از این مقاله از کتاب مذکور الهام گرفته است.

یک منطقه جغرافیایی و حتی انقلاب یک مذهب و دین خاص یا یک نظام سیاسی مشخص باشد. انقلاب اسلامی، انقلاب بشریت است. چون شعارهای این انقلاب؛ آزادی، عدالت، عقلانیت توحیدی و معنویت، شعارهای بشریت در طول تاریخ است.

امام خمینی رهبر انقلاب کبیر اسلامی فرمود:

> **ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم، جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است، لیکن دعوتش مال عربستان نبوده دعوتش مال همه عالم است.**[1]

این دقیقا همان معنایی است که امام از مفهوم صدور انقلاب و ما از مفهوم ژئوکالچر انقلاب اسلامی درک می‌کنیم. بدین‌ترتیب، برای درک ژئوکالچر انقلاب اسلامی باید پیامدهای سیاسی و چهارچوب فرهنگی مفهوم صدور انقلاب در اندیشه امام خمینی کاملا روشن شود، زیرا جستجوی هویت و اعتبار بخشیدن به جنبش‌های اجتماعی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی هستند به منزله چهارچوبی برای درک ژئوکالچر انقلاب اسلامی و مبارزه برای جهانی کردن آن است.

قبل از ترسیم این چهارچوب باید متوجه این مسئله باشیم که ضد انقلاب، به انحای مختلف تلاش می‌کند نظریه انقلاب اسلامی را در سطح منطقه‌ای و جهانی به نوعی درگیر همان تضادی کند که پیش از این نظام کمونیستی شوروی سابق را درگیر کرده بود. غربیان که بیشترین تضاد را با انقلاب اسلامی در سطح جهانی و منطقه‌ای ایجاد می‌کنند، شعار «علم بهترین دانش و دموکراسی بهترین شکل حکومت» است را عموما در مقابل همه جنبش‌های اجتماعی که به نوعی در مقابل ژئوکالچر غرب مقاومت می‌کنند، مطرح می‌سازند.

در سه دهه گذشته، انقلاب اسلامی بیشتر از طریق این شعار مورد تهاجم قرار گرفته است. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که برای خنثی کردن این حربه، افکار جهانی را بیشتر

---

۱. **صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی**، ص۳.

متوجه عملکرد این دو مفهوم کنیم نه ماهیت آنها؛ زیرا ماهیت علم و دموکراسی که همیشه به نوعی برتری خود را بر رقبایشان به ظاهر اثبات کرده‌اند یک مسئله است و عملکرد آنها مسئله‌ای دیگر.

اکنون بر کسی پوشیده نیست که علم به مفهومی که غربی‌ها نظر دارند، بیش از بحث عقلانی و توجه به سایر مبادی معرفت انسانی، فقط به تجربه و حس عنایت دارد و از بقیه مبادی معرفت خود را محروم می‌سازد.

همچنان‌که پسامدرن‌ها معتقدند که دموکراسی هم وقتی نتواند انسان‌ها را قانع کند، آنها را ساکت کرده و بر جای خود می‌نشاند. کاری که دموکرات‌ها در ایران، افغانستان و عراق و دیگر کشورها انجام دادند.

اکنون سال‌هاست که دیگر دموکراسی با کسی گفتگو نمی‌کند و از درک مخالفان خود عاجز است و علم هم ابزاری است که در دست اصحاب قدرت و در خدمت تولید سلاح‌های کشتار جمعی، تخریب طبیعت، نابودی محیط زیست و... قرار دارد. ژئوکالچر غرب روز به روز در معرض تردید و به اشکال بسیار رمانتیکی مورد تفسیرهای متضاد قرار می‌گیرد و قدرت ذاتی خود را در حکم ابزاری تحلیلی از دست داده است. همان‌طور که والرشتاین گفته است: «علم جدید با ضربه مهلکی که بر بنیاد علم بیکی ـ نیوتنی وارد آورده است، چالش‌های جدی برای ژئوکالچر غرب ایجاد کرده است.» [1]

بدین‌ترتیب، برای ما در دهه چهارم انقلاب اسلامی ترسیم ژئوکالچر انقلاب اهمیت ویژه‌ای دارد. انقلاب اسلامی اینک در حال تحول است و انباشت جزیی و دائم چرخه‌ها و روندهای توطئه ضد انقلاب، تأثیری در سرعت حرکت انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر منطقه و جهان ندارد. ژئوکالچر انقلاب اسلامی در حال بسط و توسعه است و پیش‌بینی‌های امام خمینی(س) در

۱. نک: امانوئل والرشتاین، **سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهان**، ترجمه پیروز ایزدی (تهران: نشر نی، ۱۳۸٤، چ۲)، ص ۲۷. در خور ذکر است که نگارنده در نگارش این مقاله از ایده‌های این کتاب استفاده کرده است.

خصوص صدور انقلاب در حال تحقق است.

آنچه در جنگ ۳۳روزه لبنان و جنگ ۲۲روزه غزه اتفاق افتاد، نه افسانه است و نه یک حادثه غیر قابل تکرار. شیوه‌های مبارزه مردم لبنان و مردم مظلوم غزه در مقابل اسطوره دروغین شکست‌ناپذیری رژیم صهونیستی، تحقق شعار «پیروزی خون بر شمشیر» در حوزه جغرافیای فرهنگی جدید است. شعار «پیروزی خون بر شمشیر» شعار تردیدناپذیر انقلاب اسلامی است.

بی‌تردید، نظام سرمایه‌داری جهانی کارکرد دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای خود را همانند روش‌هایی که در برخورد با نهضت‌های آزادی‌بخش دیگر به کار گرفته است، بی‌وقفه به کار خواهد گرفت. لیبرالیسم و دموکراسی لیبرال نه به خاطر شکست‌هایش در برقراری آزادی، عدالت، امنیت و عقلانیت بلکه به خاطر سیاست‌هایش محکوم به از میان رفتن است، همان‌طور که نظام‌های کمونیستی از میان رفتند.

اگرچه پایان عصر «پیمان ناتو» مانند «پیمان ورشو» نزدیک است. اما این امر برای ملت‌های استقلال‌طلب و عدالتخواه به منزله پایان عصر جهان نیست، بلکه گامی است به سوی بازسازی ژئوکالچرهای جدید. ریشه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این بازسازی کاملا روشن است.

تسلط جهانی ژئوکالچر غرب در حکم پدیده‌های کوتاه‌مدت مانند تسلط‌های پیشین اگرچه به برتری چشمگیری مبتنی بود، اما این برتری مانند همه برتری‌های مغایر با آزادی و عدالت و عقلانیت و معنویت، موقت و کوتاه‌مدت است و انقلاب اسلامی نشان داده است که دوره این برتری حداقل در منطقه خاورمیانه و آسیا به سر رسیده است.

صف‌آرایی‌های جدیدی که در قالب «مقابله فرهنگی» و «مقاومت فرهنگی» در حال شکل‌گیری است، نیروهای بازدارنده‌ای در مقابل هجوم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب هستند.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، انقلابی منحصر به فرد بود. مشخصه بارز این انقلاب، پیروزی فرهنگ بر اقتصاد، میلیتاریسم و سیاست بود. از انقلاب اسلامی سه دهه می‌گذرد با این حال این انقلاب در تاریخ یک حرکت حقیقی و معیاری برای ناکارآمدی الگوهای غربی و رویدادهای بزرگ و شکل‌دهنده است. رویدادی که می‌توان آن را نقطه عطف پیدایی یک ژئوکالچر جدید

دانست.

واقعیت‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی و سیاسی نظام جهانی، بر اثر این رویداد در معرض تغییر اساسی است. رویدادهایی که نقطه عطفی را به وجود می‌آورند همواره پدیده‌های پیچیده و مبهم‌اند.

اکنون برای ما و برای همه آنهایی که در جستجوی آزادی، عدالت، هویت و اصالت‌های انسانی خود هستند این سؤال اهمیت دارد که چه درس‌هایی باید از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و پیامدهای آن گرفت؟ در حقیقت، از جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری در ایران و جهان که عمری بیش از یک قرن دارند، باید چه درس‌هایی گرفت؟

پاسخ به این پرسش‌ها را نمی‌توان در بحث‌های کلاسیک و آکادمیک روشنفکرانه یافت، پاسخ این پرسش‌ها را باید در عملکرد انقلاب اسلامی جستجو کرد. ما در اینجا با پرسش‌هایی مواجه هستیم که همواره پیش روی نظام‌های انقلابی قرار دارد. شعار انقلاب اسلامی برای همه ما به اندازه کافی آشناست. این شعار به سه پدیده کاملا مرتبط به هم اشاره دارد که هر یک بیانگر وجهی از ماهیت و عملکرد انقلاب اسلامی است؛ آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی. ما نمی‌توانیم درباره اهمیت نسبی یکی بر دیگری و تقدم و تأخر تحقق آنها با هم بحث کنیم.

استقلال بدون آزادی و آزادی بی‌استقلال قابل تصور نیست. همان طوری که تاریخ ایران نشان می‌دهد، استقلال و آزادی بدون جمهوری اسلامی یعنی داشتن یک الگوی بومی (ایرانی ـ اسلامی) از نظام سیاسی امکان‌پذیر نیست. تعارض بین استقلال و آزادی بی‌معنا است همان‌طوری که تعارض بین جمهوریت و اسلامیت نظام، نغمه‌ای جاهلانه و دشمن‌پسندانه است.

ژئوکالچر انقلاب اسلامی همان‌طوری که امام بارها فرمودند، نمی‌تواند بدون این سه رکن قابل تصور باشد.

ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم، جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت

برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور... . [۱]

امام معتقد بود که فراگیری ژئوکالچر انقلاب اسلامی در پایبندی به استقلال و آزادی است.

ملت ما بحمدالله با عنایت حق تعالی و عنایت اولیای خدای تبارک و تعالی که به آنها ایمان داد، به آنها قدرت داد، این ملت دست رد به سینه همه زد و ایستاد و گفت استقلال را ما می‌خواهیم، آزادی را می‌خواهیم و اگر به همین وضع پیش برود، مطمئن باشید که پرتواش همه عالم را خواهد گرفت. [۲]

با این توصیف، صفت فرهنگی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری مقابله یا مقاومت فرهنگی در ژئوکالچر انقلاب، سه رکن آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی است.

در آنجایی که امام می‌فرمود ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، معنای صدور انقلاب این بود که این نحو از تجربه انقلاب اسلامی را صادر می‌کنیم. [۳]

تجربه انقلاب اسلامی در ژئوکالچر آن اهمیت ویژه‌ای دارد و از دیدگاه امام از دو وجه سلبی و اثباتی برخوردار است:

۱. وجوه سلبی ژئوکالچر انقلاب اسلامی

وجوه سلبی ژئوکالچر انقلاب اسلامی وجوهی است که بر اساس منطق زور و فشار و سلطه و تجاوز استوار است. امام از همان ابتدا استفاده از این وجوه را در شأن انقلاب اسلامی نمی‌دانم که انقلابی در تداوم خط انبیا است. لذا بارها می‌فرماید:

ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم ... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را ، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر

---

۱. **صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی**، ص ۳.

۲. **همان**، ص ۵.

۳. **همان**، ص ۲۰.

کنیم... .[۱]

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم.[۲]

۲. وجوه اثباتی ژئوکالچر انقلاب اسلامی

وجوه اثباتی ژئوکالچر انقلاب اسلامی وجوه مبتنی بر صدور معنویت، بیداری ملت‌ها، دلسوزی بر ملت‌ها، نفی فاسد و فساد، پرهیز از ترس و تردید، صدور مبتنی بر تبلیغ و دعوت، نشان دادن الگوی اسلامی، معرفی اسلام راستین، استفاده از فطرت سالم انسان‌ها و صدور مبتنی بر گفتگو و مفاهمه و... می‌باشد.

امام خمینی در بسیاری از سخنان خود، مفهوم صدور انقلاب را بر اساس این اصول مورد تأکید قرار داد.

ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم.[۳]

شما کوشش کنید که این‌طوری که ایران انقلاب کرد و این‌طوری که ایران الان هم حاضر برای همه چیز است، ملت‌های خودتان را بیدار کنید.[۴]

ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند... و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود، آرزوی ما این است. یعنی صدور انقلاب ما

---

۱. همان، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳٤.

۳. همان، ص ۳۳.

٤. همان.

این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد.[1]

بنابراین، تردیدی نداریم که مفهوم صدور انقلاب و بسط ژئوکالچر انقلاب اسلامی در جهان‌بینی و تفسیرهای اسلامی امام ریشه دارد. ما وظیفه داریم در دهه چهارم انقلاب اسلامی از جنبه علمی بنیادهای اصلی و اساسی ژئوکالچر انقلاب اسلامی را بر اساس آنچه امام می‌اندیشید ترسیم کنیم. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در چهارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله به رئیس‌جمهور؛ زنده و نمایان نگه‌داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(س) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یک اصل اساسی دانستند. ایشان بارها تأکید داشتند که انقلاب اسلامی بی‌نام امام خمینی در هیچ کجای جهان شناخته نخواهد شد.

◆ انقلاب اسلامی و تقابل ژئوپلتیک با ژئوکالچر

در سه دهه گذشته خاورمیانه، افریقا، آسیای شرقی و مرکزی، امریکای لاتین و حتی اروپا از آثار مستقیم و غیرمستقیم فرهنگ انقلاب اسلامی گریزان نبودند. ژئوکالچر انقلاب اسلامی به دلیل آرمان‌های انسانی خویش، راه خود را می‌گشاید و در قلب‌های حق‌طلبان، آزادیخواهان و عدالت‌دوستان جهان لانه می‌کند. هنوز سه دهه برای برآورد نفوذ ژئوکالچر انقلاب اسلامی زمان اندکی است. با وجود این، احساسات احیاگرانه ناشی از انقلاب اسلامی مستقیم و غیرمستقیم جهان را تحت تأثیر معنوی خود قرار داده است. ژئوکالچر انقلاب اسلامی چیزی فراتر از این معنویت نیست.

---

۱. **همان**، ص ۳۵.

انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(س) برای خیلی‌ها منبع الهام است. اگرچه دشمنان این انقلاب تلاش می‌کنند که این الهام‌بخشی را نمادی از مداخله ایران در امور این کشورها نشان دهند، اما حماسه‌ای که مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین علیه تجاوزات ضد انسانی رژیم حقیر صهیونیستی در جنگ ۳۳روزه و ۲۲روزه به وجود آورد گویاتر از آن بود که بتوان با عادی‌سازی این حماسه در حد مداخلات ایران در لبنان و فلسطین، دستاوردهای آن را نادیده گرفت و از چشم ملت‌ها پنهان نگه داشت.

به راه افتادن جنبش‌های مردمی در جهان در حمایت از غزه و محکوم کردن رژیم کودک‌کش اسرائیل چیزی نبود که از چشم نگران انسان‌های حقیقت‌جو در جهان پنهان بماند. آنچه رجب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در «اجلاس داووس» انجام داد، نه آخرین حرکت، بلکه آغاز این نهضت عظیم در بسط ژئوکالچر انقلاب اسلامی است. ارزیابی بازتاب این حرکت در مقایسه با استقبالی که مردم مسلمان ترکیه و سایر مسلمانان از اقدام رجب اردوغان کردند، می‌تواند برای جهان اسلام و عدالتخواهان و آزادی‌طلبان در سطح بین‌المللی معنای عمیقی داشته باشد. چنین ارزیابی و برآوردی رسالت اساسی متفکران حوزه انقلاب اسلامی است.

این درست است که کاربرد صدور انقلاب بر خلاف اصطلاحاتی چون مداخله، تجاوز و دفاع از خود، در نوشته‌های مربوط به روابط بین‌الملل معمولا دیده نمی‌شود،[1] اما وجوه متفاوت آن را می‌توان در تمامی انقلاب‌های دنیای مدرن دید.

بارزترین وجه کاربرد این اصطلاح که خیلی به حافظه تاریخی جهان نزدیک است، سند استراتژی ملی امریکا برای عراق است.

آنچه در این سند فی‌البداهه جلب توجه می‌کند این است که یک کشور واقع در امریکای مرکزی، بر اساس کدام منطق، اصول و قوانین امور بین‌الملل در گوشه دیگری از جهان می‌تواند سند استراتژی ملی خود را برای ملتی دیگر ترسیم کند و با اشغال این کشور و کشتن

۱. روح‌الله رمضانی، **صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل** (اسپوزیتو، **همان**، ص ۵۵).

زنان و کودکان حافظ منافع خود باشد!؟

وجه نظر کشورهایی مثل امریکا در بسط ژئوپلتیک امریکایی صدور دموکراسی و روی کار آوردن هواداران غرب است. آموزه‌های امام خمینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی به ما یاد می‌دهد که اهداف ژئوپلتیکی دقیقا در تضاد با ژئوکالچر قرار دارد.

امام معتقد بود که در ژئوپلتیک (بسط جغرافیایی سیاست) زور، تجاوز، سلطه، اشغال و کشتار مردم، یک اصل تاریخی است. همان‌طوری که در قرون گذشته مفهوم استعمار زاده این ایده بود. در حالی که در ژئوکالچر، گفتگو، مفاهمه، دعوت، تبلیغ، ایستادگی در مقابل تجاوز و سلطه و اجازه دادن به دیگران برای زدن حرف‌های خود، مهم‌ترین ابزار است.

مایی که می‌خواهیم اسلام در همه‌جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی‌گوییم که می‌خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم، ما می‌خواهیم با دعوت به همه‌جا اسلام را صادر کنیم. ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم (ولو یک الگوی ناقص باشد) نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایتکاران بالذات هستند، همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می‌خواهد چه بکند در دنیا.[1]

ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه می‌توانیم. اما آنکه می‌توانیم این است که به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما به وسیله مطبوعات به وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند اسلام را آن‌طوری که هست معرفی کنیم.[2]

ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشگرکشی نیست بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم.[3]

---

۱. **صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی**، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. **همان**، ص ۳۶.

۳. **همان**، ص۳۷.

بنابراین، آنهایی که ساده‌لوحانه تلاش می‌کنند مفهوم صدور انقلاب را در ژئوپلتیک نشان دهند و برای شروع آن زمان خاصی مثل برکناری بنی‌صدر را تعیین کنند، نشان می‌دهند که از اساس تمایل دارند درک غرب‌باورانه از مفهوم صدور انقلاب و ژئوکالچر انقلاب اسلامی ارائه دهند.

آنچه امام خمینی در نظریه صدور انقلاب مطرح کردند و آنچه از مفهوم ژئوکالچر انقلاب اسلامی می‌توان فهمید، این است که وجه تاریخی این دیدگاه پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی ظاهر شده است. مهم‌ترین وجوه تظاهر این مفهوم که اهمیت ویژه‌ای دارد و همان چیزی بود که امام پیش‌بینی کرد، استفاده بیشتر و مؤثرتر مستضعفان و مظلومان جهان از آن چیزی است که می‌توان آن را «**مقاومت فرهنگی و مقابله فرهنگی**» نامید. امام بشارت فرارسیدن چنین روزهایی را داده بود.

> **باید تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعلای کلمه‌الله ایستاده‌ایم و بر خلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی خواهیم نمود.**[1]

اکنون مقاومت و مقابله فرهنگی مضمون ثابتی است که ارزش‌ها و اشکال خود را در برابر فرهنگ تهاجمی غرب به نمایش گذاشته است. ملت‌های زیادی در جهان به طور تعمدی در پی خروج از سیطره نظام‌های کنترل فرهنگ هستند. این پایداری فرهنگی مردم تنها امتیازی است که فضا را برای بسط ژئوکالچر انقلاب اسلامی فراهم می‌سازد. زمانی همه اطلاعات به شکل فشرده تنها از طریق بنگاه‌های کنترل‌شده در نظام سرمایه‌داری غرب در شبکه‌های ملی و محلی تزریق می‌شد، اما امروز با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی دیگر به سختی می‌توان این اخبار را از طریق نظام‌های سلطه بر فرهنگ، کنترل و هدایت کرد. امروز به راحتی می‌توان دور از دسترس نیروهای سلطه‌طلب بر فرهنگ، با جهان گفتگو کرد و صدای حق‌طلبی را به گوش

۱. **همان**، ص۱۸.

همه رسانید. آنچه در تهاجم رژیم حقیر اسرائیل به غزه اتفاق افتاد و وفاق جهانی در محکومیت این رژیم، نشان می‌دهد که بر خلاف ادعاهای سرکوبگران ملت‌ها، تغذیه اخبار در جهان مطلقا در دست آنها نیست.

اگر می‌خواهیم ژئوکالچر انقلاب اسلامی را بسط دهیم باید مقاومت‌ها و مقابله‌های فرهنگی را در سطح جهان به شکل سازمان‌یافته منعکس سازیم. آگاهی ملت‌ها و تقویت مقاومت فرهنگی بخشی از استراتژی ژئوکالچر انقلاب اسلامی است. باید این مقاومت‌ها برنامه‌ریزی شود. برنامه‌ریزی مقاومت فرهنگی مانند برنامه‌ریزی‌های مقاومت سیاسی باید به اسلحه قدرتمندی برای تغییر معادلات سلطه جهانی تبدیل شود. مقاومت فرهنگی در جهان باید بخش جدایی‌ناپذیری از مقاومت سیاسی شود. امام خمینی استراتژی این مقاومت را به خوبی برای ما ترسیم نموده است.

> **ما هرچه فریاد بزنیم که ما اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل، غیر او هستیم از ما باور نمی‌کنند. وقتی می‌توانند باور کنند از ما که مایی که می‌گوییم جمهوری اسلامی هستیم، عملمان هم آن‌طور باشد. عمل طاغوتی نباشد... قول، قول اسلامی، عمل اسلامی باشد و خود رفتار اسلامی باشد، گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها. صدور با سرنیزه، صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکند و شما موظف به این معنا هستید و باید این کار را انجام بدهید.**[1]

۱. همان، ص۴۲.